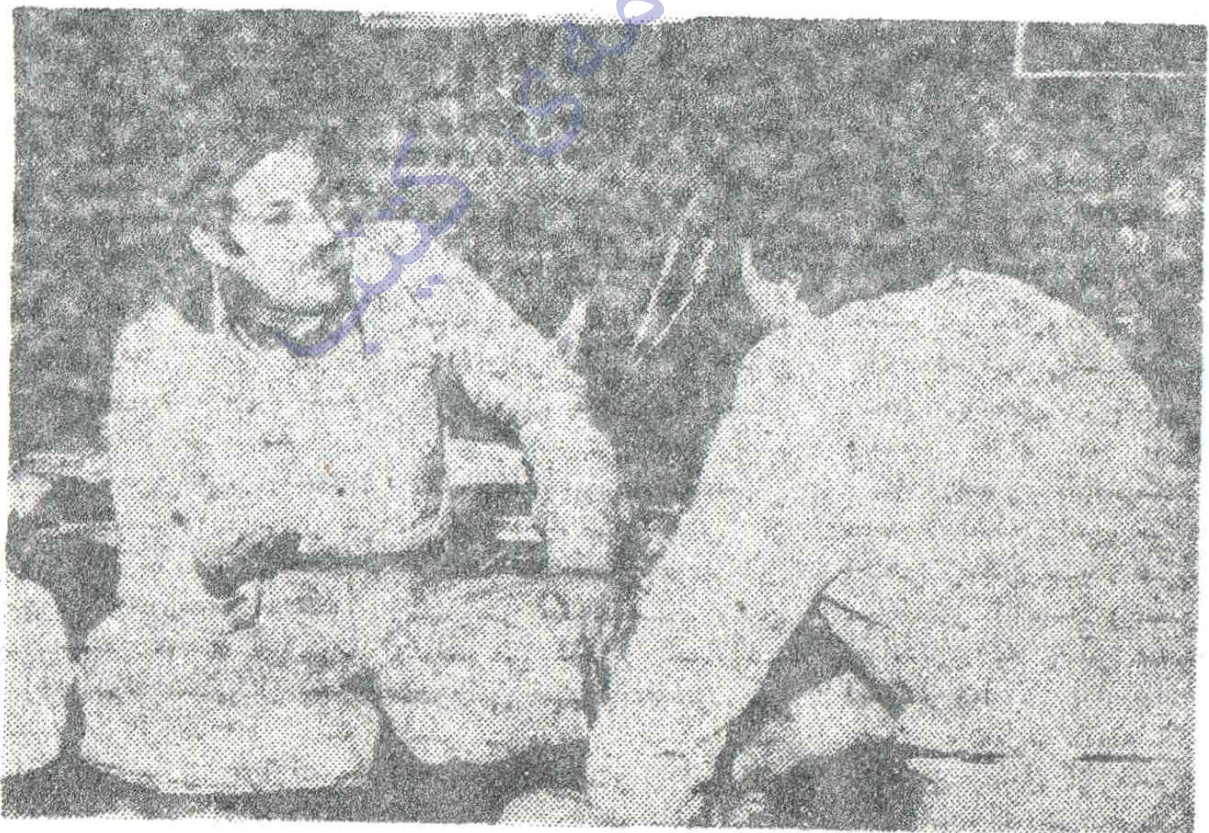


گفتگوی اختصاصی «اطلاعات» با رهبر جنبش کردستان عراق

«جلال طالبانی» : ماه به کردستان ایران، انقلاب صادر نمی کنیم!



جلال طالبانی به پرسش های خبرنگار اعزامی اطلاعات به مناطق کردنشین پاسخ میدهد

به ۱۹۷۵ جنبش رفته رفته گسترش پیدا کرد ، زیرا ما اعتقاد داشتیم که شرایط عینی برای انقلاب هنوز موجود است و فرار بارزانی شکست یک رهبری بود. نه شکست خلق کرد .

بنابراین ما شروع کردیم به تهیه اسلحه و تشکیل گروه های پیشمرگ. همچنین یک هیئت هراقی علیه دولت بعث نیز وجود دارد که متجمع

-الوطنی العراقی، نامیده می شود و از چند گروه از جمله ناصریست ها، بعضی های چپ ، کمونیست هسای انقلابی و سوسیالیست های مترقی تشکیل شده است ما به این متجمع پیوستیم .

هدف این بود که مبارزه مسلحانه ای که از کردستان هراق آغاز می شود به یک انقلاب دموکراتیک هراقی برای رهایی هراق از یوغ استبداد و دیکتاتوری بر سر کار آوردن یک دولت انتقالی مبدل شود که هم دموکراسی برای هراق و هم خودمختاری بسرای کردستان هراق به وجود بیاورد . یکسال پس از تشکیل اتحادیه نخستین گروه مسلح مبارز زیر نظر سروان مهندس عزو پ ۲۵ پارتیزان شروع به فعالیت کرد . همچنین در استان سلیمانیه چندین گروه مسلح به وجود آوردیم در استان اربیل نیز گروه های مسلح ما شروع به مبارزه کردند اما دو تن از مزدوران بارزانی به نام های کریم سنجاری و جوهر نامق که هردو ساواکی بوده و در اسرائیل دور دیدم بودند ، با تحریک همایر وابسته به بارزانی ، گروه نخست را

* طالبانی: من مارکسیست - لنینیست نیستم ، اما سوسیالیست هستم .

* از خود مختاری کردستان ایران خوشحال می شوم ولی هر کاری که انقلاب ایران را ضعیف کند کاری ارتجاعی است و به کردهای ایران خدمت نمی کند .

* در زمان شاه، ارتش هراق از خاک ایران بهما حمله می کرد !

* من نماینده دربار واپسیدم . ایران ما، ایران شاه نیست ، ایران توده های خلق است .

* همکاری با دولت هراق اشتباه بزرگ ما بود

* فرار «بارزانی» شکست «رهبری» بود ، نه شکست خلق کرد

* هدف ما دموکراسی برای هراق و خود مختاری برای کردستان هراق است .

● از جنبش کنونی کردها در عراق بگویند و از اتحادیه میهنی کردستان که رهبری این جنبش را بر عهده دارد ، طالبانی : پس از آنکه بمبش توافقی شاه و هدام حسین در الجزیره ، بارزانی، جنبش کرد ها را رها کرد - در حالی که می توانست ادامه بدهد ما تصمیم گرفتیم یک سازمان انقلابی به نام « اتحادیه میهنی کردستان » تشکیل دهیم . من ، دکتر فواد معصوم ، عادل مراد (رئیس سابق اتحادیه محصلین و دانشجویان کرد در هراق) دکتر کمال فواد (رئیس سابق اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا) ، سر و عبدالرزاق- فیلی پایه های تشکیل این اتحادیه را در خارج از هراق ریختیم. بعداً با مبارزان داخلی تماس گرفتیم و تشکیلاتی در داخل به وجود آوردیم . پس از آن سازمان مارکسیست لنینستی کردستان هراق نیز به پایوست. پس از تشکیل اتحادیه در ۲۱

جلال طالبانی دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان هراق و بهیارتی رهبر جنبش کرد های هراق در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار اطلاعات ، از توطئه ها و نقشه های مخفی شاه و امیر اشیل در کردستان هراق پرده برداشت و بسیاری از راز ها را فاش کرد .

دکتر جلال طالبانی صریحاً اعلام کرد که خودمختاری کردستان ایران او را خوشحال می کند اما هر مورد اتحادیه کردستان ایران و هراق گفت: این چیزی است که شاید در آینده بتوان در اتحاد خلق های مهاور میانه به آن دست یافت.

او گفت: حوادث کردستان ایران مربوط به کرد های ایران است و هرگز این فکر را نداشته و ندارد که به کردستان ایران «انقلاب» صادر کند .

متن مصاحبه خبرنگار اطلاعات با دکتر جلال طالبانی باین شرح است :

سنگین کرده و در زندان
 بی شکستجه کشتند. اما گروه
 های ماهروز رشد بیشتری
 یافت به طوریکه در پایان سال
 ۱۹۷۱ پیشمرگان مسلح ما
 بیش از دو هزار و پانصد
 نفر شدند. ما اعتقاد داریم
 که مبارزه مسلحانه تنها راه
 رهایی خلق و بسزانداختن
 نیکبختی و استبداد و
 دست آوردن آزادی است.
 پس از شروع مبارزه ،
 جنبش سوسیال دموکرات
 کردستان با نام « جنبش
 سوسیالیست کردستان» نیز
 به ما پیوست .

★ اکنون در چه مرحله
 از این جنبش هستید ؟

- ما مرحله کوتلی
 انقلاب خودمان را انقلاب
 دموکراتیک ملی میدانیم و
 می خواهیم یک جامعه
 دموکراتیک و مرفی عراقی
 بوجود آوریم که خالی از
 ستم ملی و استبداد و نفوذ
 امپریالیسم باشد . سیاست
 ما ، سیاست استقلال ملی
 است بدون پیوستن به هیچ
 ابر قدرتی . چنین دولتی
 باید به کمک انقلاب فلسطین
 بشتابد و از آنان حمایت و
 دفاع کند

★ در این صورت این
 جنبش را بر اساس چه
 اصولی پیش می برود ؟

- ما در انقلاب خودمان
 چند اصل داریم . اول ،
 بسیج تسوده ها و
 متشکل ساختن نیروی خلق ، دوم ،
 وحدت مبارزه نیروهای مرفی
 کرد و عرب در عراق . سوم ،
 وحدت مبارزه خلق های مرفی
 ساوریمانه . یکروز کسی گفت:
 شاه به بارزانی کمک می کرد .
 شما که این پشتیبانی را ندارید.
 ایران ما ایران شاه نیست ،
 ایسرا ن ما ایران توده
 من گفتم: ایران ما، ایران توده

های خلق است. بگذارید مسایلی
 را برای شما بگویم. طول هرز
 کردنشین عراق با ایران، ترکیه
 و سوریه، به عرض ۲۰ تا ۳۰
 کیلومتر از مردم تخلیه شده،
 همه روستاها را سوزانده اند .
 مزارع و چشمه ها و تاکستانها
 را از بین بردند. و سمست
 منطقه سوخته شده بین ۲۵ تا
 ۳۰ هزار کیلومتر مربع است .
 یعنی چیزی سه برابر وسعت
 لبنان! کاری کرده اند که
 صهیونیست ها در فلسطین
 نکردند. به همین جهت ما
 می گوئیم که فلسطین دوم هستیم.
 صدها بچه مردماند و والدین
 آنها سرگردان شده اند. مثل
 نازیها، افراد روستاهای کرد
 نشین را به اردوگاههای کار
 اجباری بردند. آنها را مجبور
 می کنند که بروند و در جنوب
 کار کنند چرا که صدها همه
 کارخانه ها را آنجا ساخته اند
 بطوریکه الان در جنوب عراق
 به ۴۲ هزار کارگر نیاز دارند
 اما در کردستان هیچ چیزی
 ساخته اند.

★ پس آن دوستی چند
 سال پیش با دولت بعث عراق
 کجا رفت؟ شما زمانی با دولت
 عراق همکاری می کردید؟

- بگذارید به سال ۱۹۶۴ باز
 گردم که بین ۱۵ عضو کمیته
 مرکزی حزب دموکرات از جمله
 دبیر کل و اعضای دفتر سیاسی
 از یکسو و بارزانی و هاشم
 عفرای (اکنون وزیر در
 دولت عراق) از سوی دیگر
 اختلاف افتاد و به این ترتیب
 حزب دو قسمت شد. در حال
 ۱۹۶۶ بارزانی دست به کشتن
 رهبران گروه ما زد و طی
 حدودی عضو کمیته مرکزی و
 محمود توفیق عضو کمیته
 ایالت سلیمانیه را زندانی کرد
 کشت. قرار بود من و ۲ تن
 از رهبران حزب ما را نیز همین
 سرنوشت دچار کند ولی ما
 رابطها آمریکا و شاه دست بردار

نیود و حتی پسرش اندرس را
 نزد همنز (رئیس وقت، میا)
 فرستاد. من دیگر بکی از
 بارزانی ناامید شدم و به قاهره
 رفتم تا سال ۱۹۷۵ که برگشتم
 و اتحادیه میهنی کردستان به
 وجود آمد.

★ گفته می شود اخیرا یک
 فرستنده رادیویی به نام رادیو
 کردستان آزاده شروع به پخش
 برنامه کرده است. شما فکر
 می کنید محل این فرستنده را
 کجا باید جستجو کرد؟

- خود من تاکنون صدای
 این فرستنده رادیویی را
 نشنیده ام، ولی یک گروه از
 افراد بارزانی به رهبری محمد
 محمود عبدالرحمان (سامی) در
 ترکیه با هیئت - سازمان امنیت
 ترکیه همکاری دارند . آنها
 یک فرستنده رادیویی در اختیار
 دارند که در تابستان گذشته به
 نام صدای کردستان، برنامه
 پخش می کرد. شاید رادیو
 کردستان آزاده همین باشد. ما
 اطلاع دقیق داریم که افسران
 بارزانی با تماس با چنتن از
 روسای مشاور کرد، قرار بود
 در نقشه کودتای ۲۸ بهمن
 جاری، به شاه کمک کنند.

★ موضع شاه سابق و
 مواضع قبایل جنبی کردستان
 عراق چه بود ؟

شما به اسناد سحرآمیزی
 دست یافته ایم که از همکاری
 ارتش شاه با ارتش عراق علیه
 ما حکایت دارد . در پایان سال
 مسی می گذشته ، هلیکوپترهای
 عراقی، سربازان خود را در خاک
 ایران نزدیک پاسگاه « گورد
 شیر» پیاده نمودند و آنگاه از
 دو طرف به ما حمله کردند
 وقتی ما سربازان عراقی را تقبیص
 کردیم، آنها به پاسگاههای
 ایرانی پناهنده شدند. همچنین
 ۶۵۰ کرد پناهنده به دستور
 ژنرال هاشمی (از مقامات ساواک)
 به رهبری صابراحمد می نازندان
 خله رشادری ، قدر فرج

توسیع شلواری، همان فتح ،
 فقیه قادر و محمد شیخ حسن به
 منطقه فرستاده شدند و پس از
 خرابکاری به دولت عراق پیوستند
 و حالا علیه ما می‌جنگند . شاه
 همچنین گروههای مسلحی در
 خاک ایران نزدیک مرز عراق
 مستقر کرده بود که ۵ نفر به
 نام‌های حمید حسین ، نادر هورامی ،
 حسین فیلی ، قادر سوز و فقیه
 و سوز رهبری آنها را بر عهده
 داشتند . در اکتبر سال گذشته
 نیز سی نفر از افراد مسلح
 یازدانی به رهبری هوریا ساعتی
 و «آزاد خفاف» از ترکیه با ماشین
 ساواک به مرز ایران و عراق
 آورده شدند و آنها به ما حمله
 کردند . ما تصفیشان کردیم و
 آنها به خاک ایران گریختند و
 ارتش که از ماجرای بی‌خبر بود
 آنان را دستگیر کرد ولی بعد
 به دستور ساواک آزادشان کرد
 و آنها دوباره به ترکیه بازگشتند .
 اینها گوشه‌هایی از توطئه‌های
 شاه علیه ما بود .

آیا ساواک هیچ وقت در صدد
 تماس و جلب همکاری با شما
 بر نیامد ؟

نه ، ولی چند ماه پیش
 از سقوط شاه ، یکی از افراد
 محلی که تماس‌هایی با مقامات
 داشت پیش من آمد و گفت یک
 سرهنگ ایرانی از طرف دربار ،
 میل دارد به دیدن شما بیاید .
 من گفتم فعلا هوا بد است ،
 بگوئید بهتر بیاید !

صرف نظر از اینکه دبیر
 کل اتحادیه میهنی کردستان
 عراق هستید ، خودتان شخصا
 چه نوع آیدولوژی سیاسی دارید ؟
 آیا مارکسیست هستید ؟

مارکسیست - این نیست نیست
 ولی به سوسیالیسم معتقدم .

آیا شما قبلا اعلام تکرده
 بودید که مارکسیست هستید ؟
 - در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰
 من عضو حزب دموکرات بودم
 این حزب اعلام کرده بود که
 مرام مارکسیستی دارد !

نیازهای مالی جنبش
 کردستان عراق از چه منابعی
 تأمین می‌شود ؟

ما از منابع مختلفی نیز
 های مالی خود را تأمین می -
 کنیم ، به این شرح :

۱- حق عضویت اعضای اتحادیه
 میهنی کردستان عراق
 ۲- جمع‌آوری پول از مردم
 کردستان

۳- نوعی هوارض (این هوارض
 از قاچاقچیان ایرانی و عراقی
 وصول می‌شود)

۴- پولی ، که دهقانان به ما
 پرداخت می‌کنند .

۵- کمک «تجمع الوطن العربی»
 فلسطینی‌ها و بعضی از نیروهای
 مترقی .

۶- کمک یک دولت عربی
 (بخواهست) جلال طالبانی ،
 و اطلاعات تمام این دولت را افش
 نمی‌کنند)

۷- ریودن اموال دولت
 بعضی و پول بانک های دولتی
 عراق !

حزب کمونیست شما
 کمک نمی‌کنند ؟

- از آنجا که حزب کمونیست
 عراق با دولت شوروی دوست
 است و هنوز هم - از طریق ۲
 وزیر - در دولت عراق مشارکت
 دارد و از آنجا که دولت
 شوروی با دولت عراق پیوسته

دوستی دارد ، احزاب کمونیست
 نزدیک به شوروی در دنیا
 پشتیبان ما نیستند و به ما کمک
 نمی‌کنند . البته اخیرا رابطه
 دولت عراق با حزب کمونیست
 عراق بهم خورده ، عده‌ای از
 کمونیست ها کشته ، صد ها
 تن زندانی و گروه زیادی فراری
 شده‌اند که دو بیست نفر از آنها
 به انقلاب کرد پیوسته‌اند .

حالا احزاب کمونیست
 نزدیک به شوروی شروع به
 تبلیغ علیه دولت عراق کرده‌اند .

● علت اصلی تیرگی روابط
 دولت عراق با کمونیست ها
 چیست ؟

- دولت بعثی عراق ، یک
 دولت ارتجاعی استبدادی است .
 بهم پیوسته و تشکیل کشور
 وقتی با کمونیست ها سازش
 کرده بود نیاز داشت آنها را
 علیه کرد ها بمسوی خود جلب
 کند . حالا عراق میخواهد
 از طریق عربستان سعودی به
 آمریکا نزدیک شود و بهمین
 جهت به کمونیست ها فشار
 آورده‌اند .

● گاهی شما را متهم به
 مخالفت در موضوع خودمختاری
 کردستان ایران می‌کنند . در
 این باره چه میگوئید ؟
 - مسئله کرد های ایران ،
 یک مسئله وابسته به کردهای
 ایران و خلق های ایران است
 انقلاب را نمی‌شود از خارج
 صادر کرد و بنابراین ما نمی
 توانیم برای کرد های ایران
 انقلاب صادر کنیم . مایه‌روزی
 انقلاب ایران را ، یک پیروزی
 تاریخی برای همه خلق های
 خاورمیانه و از جمله خلق کرد
 می‌دانیم و پشتیبان این انقلاب
 هستیم و نمی‌خواهیم هیچ
 مشکلی برای آن ایجاد شود ،

بنابراین هر کاری که انقلاب
 ایران را تضعیف کند ، هر
 نقشه‌ای که لطمه به این انقلاب
 وارد سازد ، یک کار ارتجاعی
 است و به کرد های ایران
 خدمت نمی‌کند . لذا ما نمی
 خواهیم و نه صحیح میدانیم
 که در این امور دخالت کنیم .
 البته ما همبستگی و هم‌رزی
 با نیرو های مترقی ایران ، از
 جمله کرد های مترقی داریم .

● از خود مختاری کردستان
 ایران خوشحال میشوید ؟
 - البته
 ● شما از دموکراسی در
 عراق و خودمختاری برای
 کردستان عراق سخن میگوئید .
 کرد های ایران نیز دموکراسی
 برای ایران و خودمختاری
 برای کردستان ایران میخواهند
 آیا تصور نمی‌کنید روزی که
 این خواست ها عملی شود ،
 این تمایل در میان کرد های

باز دیگر تحقق می‌یابد . بنابر
 این فکر می‌کنم هر قسمت از
 ملت کرد باید با همکاری دیگر
 خلق‌های کشورش برای
 دموکراسی مبارزه کند . مسئله
 وحدت کرد - گرچه حالا در
 پیش نیست - ولی بنظر حال این
 مفهوم را ندارد که کردها از
 رژیم دموکراتیک ملی در ایران
 باشد که کردها بتوانند در
 زیر سایه‌اش به همه آرمان -
 هایشان دست یابند و کردستان
 ایران ، منطقه جنبش دیسگر
 کردستانها شود و به جای تجزیه
 شدن ، ملحق شدن به ایران
 باشد . من اعتقاد دارم در یک
 کشور کثیر الملل ، دادن حقوق
 ملی و رفع متم ملی ، بساعت
 مستحکم شدن پایه های آن
 کشور می‌شود .

● با این حال آیا فکر نمی -
 کنید که کردها ترجیح می -
 دهند متحد شوند و تشکیل یک
 کشور بدهند ؟

- اگر از یک شاعر کرد
 بپرسید ، شاید یک شعر خوب
 بپرامون این مسئله بسرایتان

این تمایل در میان کرد های

★ آیا این «کنفی خاورمیانه»
- با آن قدرت - خطری برای
جهان نیست ؟
طالبانی : نه تنها خطر نیست،
بلکه کمک هم برای جهان
است زیرا این کار ، سرک
امپریالیسم جهانی را هرچه
بیشتر نزدیک می کند و به خلق
های دنیا این فرصت را میدهد
که خود را از یوغ امپریالیسم
و کاپیتالیسم رها کنند.

بگوید ، چون کردها يك ملت
هستند، ولی اگر از يك مبارز
واقع بین که می خواهد بسه
توده های خلق خود خدمت کند،
این سؤال شود، پاسخ او این
است که باید مبارزه برای تحقق
یافتن آرمانهای ممکن باشد .
★ آرمان هایی که تحقق
یافته اند ، روزی غیر ممکن
بودند !...
طالبانی : ...

طالبانی در يك نگاه

دکتر جلال طالبانی، حقوقدان، وکیل دادگستری، روزنامه
نگار و کارشناس جنگهای چریکی کوهستانی را پارتیزانهایش،
صام جلال (عمو جلال) و صامه (عموی بزرگ) هدایت میکنند.

او در سال ۱۹۲۴ در یکی از روستاهای منطقه «بیتون»
مراق بنیاد آمده است. تحصیلات ابتدایی و سیکل اول را در
شهرک هکوی سنجاق، انجام داد و سپس به کرکوک رفت
و در همانجا دیپلم گرفت. پس از آن وارد دانشکده حقوق
بازنشده بغداد شد اما هنگامی که در ۱۹۵۵ مشغول تحصیل
بود به علت فعالیتهای سیاسی او را از دانشگاه بیرون کردند.

در سال ۱۹۵۸ پس از کودتای عبدالکریم قاسم به دانشگاه
بازگشت و در سال ۱۹۵۹ فارغ التحصیل و وکیل دادگستری
شد. در همان سال به عنوان افسر وظیفه وارد ارتش عراق
شد و در سال ۱۹۶۰ خدمتش پایان یافت.

در سال ۱۹۴۷ عضو حزب دموکرات کردستان شد و
یکسال بعد به عنوان نماینده نخستین کنگره اتحادیه محصلین
و دانشجویان عراقی برگزیده شد. در سال ۱۹۵۰ که طالبانی
عضو کمیته استان اربیل حزب دموکرات بود برای نخستین
بار بخاطر فعالیتهای سیاسی به زندان افتاد. یکسال بعد در
کمیته مرکزی این حزب عضویت یافت.

در سال ۱۹۵۳ دبیر اتحادیه دانشجویان کردستان عراق
شد و سال بعد از اعضای دفتر سیاسی حزب دموکرات به شمار
میرفت. سال ۱۹۵۵ برای اولین بار به خارج رفت و در
مستوفال جهانی جوانان در ورشو شرکت کرد. پس از آن
به شوروی و چین رفت، اما چون خروجش از عراق به طور
فهرمجاز بود پس از بازگشت مخفی شد و تا سال ۱۹۵۸ به
مبارزه خود به صورت مخفی ادامه داد.

در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ نخستین روزنامه سیاسی
کردی به نام «کردستان» به سردبیری او در بغداد منتشر شد
و طالبانی در کمیته اجرایی سندیکای روزنامه نگاران عراق
عضویت یافت ولی در سال ۱۹۶۰ به علت فعالیتهای سیاسی و
اختلاف با عبدالکریم قاسم بار دیگر مخفی شد و یکسال بعد
مبارزه مسلحانه علیه او را شروع کرد. در آن زمان عضو
دفتر سیاسی و فرمانده شاخه نظامی حزب دموکرات کردستان
بود و در طی سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴ نیروی رزگاری را نیز
در کرکوک و سلیمانیه فرماندهی میکرد.

★ آیا شما آرزو ندارید
که روزی وحدت ملت کرد عملی
شود ؟

طالبانی : من اعتقاد دارم که
ملت کرد که يك ملت تقسیم
شده است ، روزی بساز متحد
خواهد شد ولی نمودارم زیر سر
پرچم کدام دولت یا کدام رژیم
و یا تحت چه شرایطی، شاید
این وحدت در «اتحاد جماهیر
خلق های خاورمیانه» باشد ، در
در زیر پرچم «اتحاد خلق های
ایران» صورت پذیرد و یا به
شکلی دیگر، ولی بهر حال من
فکر می کنم در آینده خلق های
دنیا به سوی اتحاد می روند نه به
سوی جدا شدن از یکدیگر
مثلا وحدت مبارزه خلق های
خاورمیانه (کردها ، ایرانی ها ،
اعراب ، ترکها ، افغانها) اجتناب
ناپذیر است ، به ویژه پس از
قرار امپریالیسم از خیلی از
کشورهای آسیای ، و با در
نظر گرفتن اهمیت سوق الجیشی
و نفتی و استراتژی و مسالسی
خاورمیانه ، امپریالیسم تلاش
می کند به روشی که ممکن
است در این منطقه باقی بماند ،
در حالیکه خلق های خاورمیانه
می خواهند از یوغ امپریالیسم
رهایی یابند ، بنابراین شاید
این وحدت مبارزه ، روزی به
صورتی برآید که اتحاد کشور
های آزاد و مستقل خاورمیانه
صورتی شود .

علیه او را شروع کرد. در آن زمان عضو دفتر سیاسی و فرمانده شاخه نظامی حزب دموکرات کردستان بود و در طی سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴ نیروی رزگاری را نیز در کرکوک و سلیمانیه فرماندهی می کرد.

سال ۱۹۶۳ به عنوان رئیس هیئت نمایندگی کرد با دولت عراق مذاکره کرد و به نمایندگی انقلاب کرد و حزب دموکرات کردستان برای ملاقات با ناصر و بومدین به مصر و الجزایر رفت و در همین سفر بود که دوستی صمیمانه ای با ناصر پیدا کرد.

در سال ۱۹۶۵ به کنگره بین المللی همبستگی با ویتنام در هلستینکی رفت و در سال ۱۹۶۷ «تزه او» به نام موسیالیسم و مسأله ملی کرد در عراق، در کنگره موسیالیستهای کشور - های عربی به تصویب رسید .

در طی سال های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ روزنامه ای

به نام «النور» در بغداد و منجله ای کردی به نام «رزگاری» در سلیمانیه منتشر کرد. سال ۱۹۷۲

بدینال، نارضایی از بارزانی از کردستان عراق به مصر رفت و تا سال ۱۹۷۵ در مصر بود و در همانجا اتحادیه میهنی کردستان عراق را تشکیل داد در همان سال به سوریه رفت و در سال ۱۹۷۷ برای شرکت در جنبش کنونی کردهای عراق با دیگر به کردستان بازگشت. وی ۱۲ سال پیش ازدواج کرد و ۲ فرزند ۸ و ۲ ساله دارد .

دکتر جلال طالبانی به زبان های عربی ، انگلیسی ، فارسی و فرانسه تسلط دارد .

طالبانی و چهره ها !

در جریان این مصاحبه ، خبرنگار اطلاعات نظر جلال طالبانی را برآمون چند تن از مردان سیاسی دنیا جویند و او درباره هر یک از آنها چنین اظهار نظر کرد :

سادات ، « بارزانی ، اعراب است !

ناصر ، یک رهبر ملی بزرگ و دوست ملت کرد .

ملک خالد ، نفی شناسم ! جدا نمی شناسم !

ملک حسین ، یک پادشاه بیچاره زرنگ !

کارتز ، یک حقیقاز در زیر ماسک حقوق بشر !

برزف ، یک رهبر خسته پیر .

تیتو ، او را دوست ندارم ! یک مرد انقلابی که پادشاه شد !

هو اکوفنگ ، خیلی بدبخت است که بعد از مائو آمده است !

زیسکاردستن ، یک نماینده زرنگ بورژوازی فرانسه

امام خمینی ، یک رهبر انقلابی ، قطع و آگاه

حرج حبش ، یک انقلابی صادق و صمیمی که اطراف او را افراد بی کفایت گرفته اند !

قزانی ، یک مسلمان صمیمی و یک انقلابی عرب ، هر چه در دل دارد ، بر زبان می آورد !

شاه سابق ، کلمه ای نیست که او را وصف کند . فقط باید گفت پسر رضاخان است !

سلطان قابوس ، باید یک هزار سال پیش سلطان میشد !

الیکر ، استاد توطئه گری و حقه بازی در خاورمیانه

صدام حسین ، استاد ترور و شکنجه ، خیلی زرنگ تر از

ژنرال نصیری !

جلال طالبانی ، یک مبارز کرد ، فقط همین !